

خصوصی‌سازی و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

رویا آل‌عمران^۱

سیدعلی آل‌عمران^۲

هدف اصلی در این مقاله، بررسی پیش‌نیازها و اهداف خصوصی‌سازی و موانع موجود در مسیر اجرای این مهم و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی - به عنوان یک مفهوم کلیدی در اقتصاد ایران - می‌باشد. روش تحقیقی که در تحقیق حاضر بکار برده شده از نوع تحلیلی - توصیفی بوده و بر مبنای هدف کاربردی می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات نیز بیشتر با اتکاء بر داده‌های کتابخانه‌ای و سایت‌های اینترنتی است. قلمرو زمانی که در این تحقیق بکار برده شده است، دوره قبل و پس از انقلاب و بیشتر با تأکید بر دوره بعد از انقلاب می‌باشد و قلمرو مکانی و حیطه جغرافیایی آن کشور ایران است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که سیاست خصوصی‌سازی یک فرایند بوده و برای اینکه این فرایند مسیر درست خود را پیماید می‌بایست در مرحله اول برخی پیش‌نیازهایی قبل از ورود به این مسیر بکار برده شوند که می‌توان به عنوان مثال تثبیت اقتصادی و آزادسازی را نام برد. در مرحله دوم پس از اینکه این فرایند بر مسیر صحیح خود قرار گرفت لازم است موانعی که در مسیر اجرای این مهم قرار می‌گیرند را از مسیر جدا کرد تا سیاست خصوصی‌سازی نتیجه اثربخش خود را در اقتصاد بروز دهد که در متن پژوهش به برخی از این موانع اشاره شده است. علاوه بر این، نکته مهمی که از این پژوهش در بخش پیش‌نیازها بدست می‌آید این است که تجارب نشان داده است که در کشورهایی که فراگیرد خصوصی‌سازی قبل از تثبیت اقتصادی و آزادسازی انجام گرفته است یا هر دو همزمان بوده‌اند با عدم موفقیت همراه بوده است. در نتیجه، برای اینکه خصوصی‌سازی به نحو احسن انجام گیرد، باید عوامل پیش‌نیاز خصوصی‌سازی پیش از انجام خصوصی‌سازی بکار برده شوند نه اینکه بطور همزمان و یا پس از آن.

واژه‌های کلیدی: خصوصی‌سازی، سیاست‌های کلی اصل ۴۴، انقلاب اقتصادی، سرمایه‌اجتماعی، اقتصاد رانتی.

۱. مقدمه

رویکرد کوچک‌سازی بدنه دولت و بهبود عملکرد فعالیت‌های اقتصادی از طریق افزایش نقش نیروهای بازار و محول کردن فعالیت‌های اقتصادی به بخش خصوصی با انتقال مدیریت و یا مالکیت دارایی‌ها به این بخش مفهوم خصوصی‌سازی را تشکیل می‌دهد. برای خصوصی‌سازی راه‌های مختلفی را بر شمرده‌اند که از

۱. دکترای اقتصاد، استادیار و عضو هیأت علمی گروه اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

۲. کارشناس ارشد علوم اقتصادی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

جمله می‌توان به خصوصی سازی همراه با واگذاری مالکیت و خصوصی سازی بدون واگذاری مالکیت؛ از طریق قرارداد مدیریتی خدماتی و یا قرارداد اجاره؛ توزیع کوپنی سهام به صورت واگذاری شرکت‌های دولتی که در ایران سهام عدالت نامگذاری شده است اشاره نمود. آنچه مسلم است خصوصی سازی و کوچک کردن دولت یک مقوله محتوایی است نه شکلی و ظاهری و به همین دلیل رهاسازی نیست. به عبارت دیگر، باید عوامل اقتصادی به صورت خودجوش در اقتصاد و در سایر قلمروهای سیاسی فرهنگی و اجتماعی حضور داشته و در عین حال هرگونه اعمال قدرت انحصاری از آنها سلب شده باشد. در شرایط نامناسب اقتصادی به ویژه در وضعیت‌های بی‌ثبات و حاکمیت نیروهای ضد بازار و وجود ساختارهای ضد رقابتی در اقتصاد هم حاکمیت دولت بر اقتصاد ناکارآمد است هم حاکمیت بخش خصوصی. خصوصی سازی نه فرایندی ساده است و نه به یک صورت متحدالشکل اجرا می‌شود. چگونگی آغاز آن متفاوت است و کشورها اهداف مختلفی را از اجرای آن دنبال می‌کنند و با طیف گسترده‌ای از مشکلات و موانع مواجهند و برای نیل به اهداف موردنظر خود به راهبردها و طرح‌های متفاوت نیازمند هستند.

هیچ رویکرد جهانی قابل استفاده‌ای برای اجرای برنامه خصوصی سازی وجود ندارد و تلاش برای ایجاد یک رویکرد فراگیر و مناسب کاری بیهوده و زیان‌آور است. باید در نظر داشت از لحاظ رشد، شرکت‌های خصوصی در صنایع رقابتی بسیار کاراتر از شرکت‌های دولتی عمل می‌کنند. بسیاری از متغیرهای سیاست‌گذاری مانند انضباط مالی، قیمت‌ها و آزادسازی تجاری، حذف مقررات زاید، خصوصی سازی و شفاف سازی حقوق مالکیت برای تعیین میزان رشد اهمیت دارند.

توجه به هر یک از این موارد به صورت جداگانه ممکن است تأثیر محدودی بر میزان رشد داشته باشد اما در مجموع، ارتباط محکمی با توسعه سریع دارند. این موضوع در گزارش بانک جهانی نیز به گونه‌ای مورد توجه بوده و بررسی آثار و تبعات خصوصی سازی در کشورهای مختلف نشان داده که اجرای طرح‌های خصوصی سازی به بهبود عملکرد مالی و عملیاتی شرکت‌های خصوصی منجر گردیده و در سطح کلان باعث افزایش رفاه عمومی شده است. به دنبال طرح موضوع خصوصی سازی در قوانین برنامه اخیر، موضوع در قوانین یاد شده و همچنین سند چشم‌انداز نظام، اصلاح ساختار مدیریت و همچنین ساماندهی اقتصاد به منظور توانمندسازی بخش خصوصی نیز مورد توجه بوده است.

تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور با حضور و مشارکت فراگیر تمام بخش‌های اقتصادی اعم از دولتی، خصوصی و تعاونی امکان‌پذیر است. این مهم در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نیز به خوبی مشاهده شده است؛ از آنجایی که اقتصاد کشور ما به شدت دولتی بوده و طی چند دهه اخیر نیز به دلایل مختلف، اقتصاد ایران تحت تأثیر تفرکات و سیاست‌های مبتنی بر دولت محوری، دولتی‌تر و انحصاری‌تر شده است، ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ از سوی مقام معظم رهبری به منزله انقلاب اقتصادی جهت رفع

این معضل اعلام شده است و می‌تواند اقتصاد ما را در وضعیت مناسبتری قرار دهد و به سمت مدیریت اقتصاد خصوصی سوق دهد که با تدوین مناسب روش‌های اجرایی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ این امر امکان‌پذیر و محقق خواهد شد. برای اجرای موفق سیاست‌های کلی اصل ۴۴ لازم است در ساختار اقتصادی کشور تغییر به وجود آید و اقتصاد کشور از دولتی‌بودن به سمت اقتصاد خصوصی حرکت نماید. این مهم بدون بهبود فضای کسب و کار به عنوان پیش‌نیاز میسر نمی‌شود. همچنین، در این راستا می‌بایست توانایی بخش خصوصی در پذیرش این سهم ارتقاء داده شود و این بخش توانمند شود. در حال حاضر، ۲۰ درصد از فعالیت‌های اقتصاد کشور توسط بخش خصوصی انجام می‌شود که در آینده باید این سهم به ۸۰ درصد ارتقاء یابد (اشرفی، ۱۳۸۸).

۲. بیان مسأله

ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در حقیقت بیانگر نوع نگرش نظام به فعالیت‌های اقتصادی کشور می‌باشد. اگرچه اعلان این نگرش برای فعالان اقتصادی بسیار حائز اهمیت است و در حقیقت پدیدار شدن افق فعالیت‌های اقتصادی در آینده را نشان می‌دهد، اما ارائه راهبردهای اجرایی که منجر به نائل شدن به اهداف این سیاست‌ها است از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. هدف اصلی از ابلاغ این سیاست‌ها، تبدیل اقتصاد فعلی کشور به یک اقتصاد پویا، توسعه‌ای و رقابتی است که با کاهش تصدی‌گری دولت و توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی امکان‌پذیر خواهد بود. در چارچوب فرایند خصوصی‌سازی، یک اقتصاد رقابتی شکل گرفته و اقتصاد رقابتی به تغییر نقش دولت، ایجاد امکانات مالی جدید و گسترش رفاه عمومی منجر می‌شود. خصوصی‌سازی از جمله اثربخش‌ترین و ضروری‌ترین راهبردهای دستیابی به صنعت و اقتصادی مرفعی و پویا می‌باشد. اصل ۴۴ قانون اساسی بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی استوار است و در صورتی که این اصل مطابق دیگر اصول قانون اساسی محقق شود، رشد و توسعه اقتصادی را در پی خواهد داشت. داشتن اقتصادی متمرکز و دولتی نتیجه عدم پایداری به اصل ۴۴ قانون است تا جایی که برخی معتقدند ۸۰ درصد اقتصاد کشور دولتی است. مؤید این نظریه نتایج مؤسسه مطالعاتی هریتیج است که اعلام داشته ایران ششمین رتبه اقتصادی دولتی را داراست (کیان‌پور، ۱۳۸۸).

بطور کلی باید گفت خصوصی‌سازی بخشی از سیاست اقتصادی جامع‌تری است که امروزه تحت عناوینی چون آزادسازی اقتصادی و یا پیوستن به اقتصاد جهانی از سوی برخی از دولت‌ها به شدت تعقیب می‌گردد. نهادهای بین‌المللی همچون صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی نیز از مدافعان سرسخت این سیاست نوظهور محسوب می‌گردند. خصوصی‌سازی یعنی تغییر فضای حاکم بر فعالیت‌های بخش دولتی به گونه‌ای که در عین حفظ بافت اصلی فعالیت‌ها صرفاً فضای بخش مذکور تغییر یافته و شرایط و جو بازار بر

نحوه عملکرد شرکت به صورتی تأثیرگذار تا انگیزه‌ها و مکانیزم‌های بخش خصوصی ملاک عمل قرار گیرد.

اهداف خصوصی کردن که همانند بسیاری از موارد دیگر نشان‌دهنده روندهای اجتماعی، سیاسی و جاری می‌باشد بر واگذاری نهادهای اقتصادی به بخش خصوصی مبتنی است و مهم‌ترین اهداف آن تمرکززدایی در اقتصاد، مشارکت بیشتر مردم (بخش خصوصی) در فعالیتهای تولیدی و خدماتی و در پی آن دستیابی به سایر پیامدهای مثبت و تعیین‌کننده آن می‌باشد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بنا به دلایل گوناگون حوزه فعالیتهای اقتصادی دولت بسیار گسترش یافت. در نتیجه این گسترش در اواخر دهه ۱۳۶۰، ناکارایی بر فعالیتهای دولت سایه افکند و از همین رو محدود کردن حوزه فعالیتهای اقتصادی دولت و خصوصی‌سازی در شمار برجسته‌ترین اهداف برنامه اول توسعه درآمد (گودرزوند چگینی، ۱۳۸۹).

۳. اهمیت و ضرورت تحقیق

تجارب کشورهای مختلف و تحقیقات انجام شده در ایران نشان می‌دهد که مدیریت‌های دولتی و برنامه‌ریزی شده از کارایی پایینی برخوردارند به همین دلیل کشورهای بسیاری از جمله ایران، سیاست اقتصاد بازار- اقتصاد آزاد را انتخاب کردند تا بتوانند به کمک آن بر بخشی از مشکلات خود نظیر بیکاری، زیان‌ده بودن شرکت‌های دولتی و کسری بودجه غلبه کنند و به رشد و توسعه دست یابند. جمهوری اسلامی ایران با توجه به پیشینه مدیریت دولتی در بکارگیری غیرکارآمد منابع نیاز دارد تا از آثار خصوصی‌سازی و اهداف آن مطلع شود. از آنجایی که بحث خصوصی‌سازی یکی از مقوله‌های مهم در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و به ویژه ایران می‌باشد و اهدافی چون رقابت و کارایی اقتصادی، افزایش بازدهی سرمایه‌گذاری‌ها، استفاده بهینه از امکانات و غیره را دنبال می‌کند، لذا ما را به این نتیجه سوق داد که در این تحقیق در مورد آن مطالعاتی انجام داده و پیش‌نیازهای لازم برای اجرای صحیح خصوصی‌سازی و اهداف آن و مهم‌ترین چالش‌هایی که در اجرای این مهم و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی وجود دارد را بررسی نماییم.

یکی از اهداف این تحقیق، بررسی پیش‌نیازها و اهداف خصوصی‌سازی و چالش‌های موجود در اجرای این مهم و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و بررسی سابقه خصوصی‌سازی و چگونگی روند آن در ایران می‌باشد. حال سؤالاتی که در این خصوص مطرح می‌شود عبارتند از:

- خصوصی‌سازی چه اهدافی را دنبال می‌کند؟
- پیش‌نیازها و زمینه‌هایی که قبل از انجام خصوصی‌سازی می‌بایست پی‌ریزی شوند کدامند؟

– موانع و چالش‌هایی که در مسیر اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و خصوصی سازی وجود دارند، کدامند؟

علاوه بر موارد فوق، با توجه به ماهیت مسأله و پیمایشی بودن تحقیق حاضر این مسأله فاقد فرضیه می‌باشد.

۴. پیشنهاد تحقیق

تاکنون مطالعات بسیاری در زمینه عملکرد بنگاه‌های خصوصی شده با توجه به شاخص‌هایی مانند سطح تولید، سودآوری و سرمایه‌گذاری انجام شده است. به عنوان مثال، مگینسون، نش و ون رندنبرق (۱۹۹۴) در مطالعه خود برای کشورهای OECD و بویکری و کاست (۱۹۹۸) برای کشورهای در حال توسعه نشان دادند که تولید بنگاه‌ها پس از خصوصی شدن به مقدار قابل توجهی افزایش می‌یابد. با توجه به اینکه این مطالعات بیشتر بر بنگاه‌های موفق خصوصی شده تأکید دارند نتایج آنها را به سختی می‌توان به سطح اقتصاد کلان تعمیم داد. تعداد معدودی از مطالعات به اثر خصوصی سازی در کشورهای در حال توسعه بر رشد اقتصادی آنها پرداخته‌اند. به عنوان مثال، پلین (۱۹۹۷) و بارنه (۲۰۰۰) نشان می‌دهند که خصوصی سازی اثر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد، اما نتایج کوک و اوچیدا (۲۰۰۳) حاکی از رابطه منفی بین خصوصی سازی و رشد اقتصادی است (مشیری، ۱۳۸۹).

به زعم بورتولوتی، فانتینی، سینیسکالکو و ویتالینی (۱۹۹۸) در یک مطالعه مشتمل بر ۴۹ کشور طی سال‌های (۱۹۹۶-۱۹۷۷) فرایند خصوصی سازی متضمن تمام نهادهای قانونی و بازارهای سرمایه پیشرفته است. نتایج تحقیق مورس (۱۹۹۹) با نتایج پژوهش بورتولوتی و همکارانش همسو است. وی در مطالعه رشد و نهادها در ۲۵ کشور اروپای شرقی و مرکزی طی سال‌های (۱۹۹۵-۱۹۹۰) دریافت که نهادهای مناسب حقوق مالکیت را تضمین می‌کنند و هزینه‌های معامله را نیز کاهش می‌دهند.

نهادها نیز زمینه را برای خصوصی سازی فراهم می‌کنند. کشورها در عرف و قانون مدنی الزامات نهادی متفاوتی دارند که فعالیت اقتصادی را تعریف می‌کنند و دارایی‌های دولت را نیز تنظیم می‌نمایند علاوه بر این حمایت قانونی از فعالیت‌های اقتصادی از کشوری به کشور دیگر متفاوت است و در نتیجه سرعت توسعه بازار مالی نیز تفاوت دارد. در واقع، خصوصی سازی به نوعی به معنای حمایت از سرمایه‌گذاران بوده و نیاز به بازارهای سرمایه و تمرکز مالکیت دارد. ارتباط بین نهادهای قانونی و فعالیت اقتصادی در تحقیق لاپورتا، لویز دو سیلاتز، اشلیفر و ویشنی تأیید شده است (قوچیان و حیدری کرد زنگنه، ۱۳۸۷).

در ایران، مشیری (۱۳۸۹) اثر خصوصی سازی بر رشد اقتصادی را با استفاده از یک مدل رشد درون‌زای تجربی و با بکارگیری از داده‌های ۱۱۷ کشور در حال گذار و در حال توسعه برای (۲۰۰۳-۱۹۹۸) در

سه حالت کوتاه‌مدت، میان مدت و بلندمدت با استفاده از روش‌های OLS و 2SLS برآورد کرده است که نتایج حاکی از آن است که اثر خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی خنثی است و علاوه بر آن، سازگاری و تداوم اجرای سیاست خصوصی‌سازی، وجود محیط رقابتی و شفافیت در سیاست‌گذاری‌ها تأثیر مهم‌تر از خصوصی‌سازی بر رشد اقتصادی دارند.

کریمی پتانلار (۱۳۸۳) به بررسی آثار خصوصی‌سازی بر اندازه دولت و بدهی دولت و اشتغال در طول سال‌های برنامه اول و دوم توسعه اقتصادی (۱۳۷۸ - ۱۳۶۸) پرداخت. نتایج بدست آمده نشان داد که برخلاف انتظار، سیاست خصوصی‌سازی در کشور قادر نبوده است اندازه دولت و نقش شرکت‌های دولتی را در اقتصاد ایران کاهش دهد. علاوه بر این، نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که روند بدهی شرکت‌های دولتی به سیستم بانکی با افزایش همراه بوده است که بیان‌کننده این است که سیاست خصوصی‌سازی بهبودی در وضعیت مالی دولت ایجاد نکرده است (کریمی پتانلار، ۱۳۸۳).

عادلی و رافعی (۱۳۸۵) رابطه خصوصی‌سازی و میزان کارآفرینی شرکت‌های واگذار شده از طریق بورس اوراق بهادار را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که خصوصی‌سازی بر ظرفیت کارآفرینی شرکت‌ها اثر مثبت داشته است.

۵. روش شناسی تحقیق

روش تحقیق بکار رفته در این مقاله از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و بر مبنای هدف کاربردی می‌باشد و روش گردآوری اطلاعات بیشتر با اتکاء بر داده‌های کتابخانه‌ای و سایت‌های اینترنتی می‌باشد. این تحقیق از لحاظ زمانی دوره قبل و بعد از انقلاب (با تأکید بر دوره بعد از انقلاب) را در بر می‌گیرد و حیطه جغرافیایی آن کشور ایران است.

۶. مبانی نظری

۶-۱. مفهوم و تعاریف خصوصی‌سازی^۱

تعاریف مختلف و متعددی از خصوصی‌سازی ارائه شده است که تمام آنها در مفهوم کل یکسان بوده و تنها در رابطه با دامنه خصوصی‌سازی، اولویت‌دادن به اهداف مورد نظر و یا مکانیزم‌های خاص اجرایی از یکدیگر متمایز می‌شوند:

– در فرهنگ اقتصاد پیالگریو خصوصی‌سازی به این صورت تعریف شده است: خصوصی‌سازی یک سیاست اقتصادی جهت تعادل بخشیدن میان دولت و دیگر بخش‌های اقتصادی با هدف ایجاد شرایط رقابت کامل و حصول بیشتر کارایی اقتصادی و اجتماعی است. در واقع، خصوصی‌سازی روندی است که

1. Privatization

طی آن دولت در هر سطحی امکان انتقال وظایف و تأسیسات خود را از بخش عمومی به بخش خصوصی بررسی کرده و در صورت تشخیص و اقتضاء نسبت به چنین انتقالی اقدام می‌کند (پتر، ۱۹۹۸).

– خصوصی‌سازی وسیله‌ای است برای بهبود عملکرد فعالیت‌های اقتصادی از طریق افزایش نقش نیروهای بازار در صورتی که حداقل ۵۰ درصد سهام آنها به بخش خصوصی واگذار گردد (بیس‌گی و لیتل چاپلند، ۱۹۸۳).

– خصوصی‌سازی به معنای انجام فعالیت‌های اقتصادی توسط بخش خصوصی یا انتقال مالکیت دارایی‌ها به بخش خصوصی می‌باشد (ویل جانسکی، ۱۹۸۷).

– تعریف خصوصی‌سازی برای کشورهای با اقتصاد متمرکز بسیار فراتر از انتقال مالکیت و تعدیل در مقررات می‌باشد و همچنین خصوصی‌سازی به معنای به وجود آوردن نظام جدید براساس بازار و در نتیجه دگرگونی و تحول در ابعاد مختلف اقتصادی می‌باشد (شوارتز، ۱۹۸۹).

– خصوصی‌سازی در شکل ظاهری فرایندی است که طی آن وظایف و تأسیسات بخش دولتی در هر سطحی به بخش خصوصی انتقال داده می‌شود، اما در مفهوم حقیقی به اشعه فرهنگی در تمام سطوح جامعه اطلاق می‌گردد که دستگاه قانون‌گذاری، قضاییه، مجریه و تمام آحاد یک کشور باور نمایند که کار مردم را باید به مردم واگذاشت (رحیمی‌پروجردی، ۱۳۷۳).

– خصوصی‌سازی نشانه تعالی تفکر سرمایه‌داری و اعتماد به کارایی بازار در مقابل عدم اطمینان به کارایی بخش عمومی می‌باشد (باس، ۱۹۹۱).

– بازارگراکردن شاید جامع‌ترین تعریف باشد که از خصوصی‌سازی می‌توان بیان کرد (هاشمی، ۱۳۷۲).

– خصوصی‌سازی اصطلاحی فراگیر و متنوع است که به واگذاری، کنترل عملیاتی و یا مالی مؤسسات در مالکیت دولت به بخش خصوصی اشاره می‌کند یا به عبارت دیگر، خصوصی‌سازی حذف هر نوع کنترل و دخالت در برقراری مکانیزم عرضه و تقاضاست (مجله مجلس و پژوهش، ۱۳۷۲).

– خصوصی‌سازی فرایندی برای انتقال یا واگذاری مالکیت یک دارایی از بخش دولتی به بخش خصوصی می‌باشد (ویس، ۱۹۸۸).

– خصوصی‌سازی هرگونه اقدامی است که بخش یا تمام مالکیت و کنترل بر شرکت‌های تحت مالکیت دولت را به بخش خصوصی واگذار کند (رامامورتی، ۲۰۰۰).

– واژه خصوصی‌سازی روش‌های متعدد و مختلفی برای تغییر رابطه بین دولت و بخش خصوصی را شامل می‌شود. از جمله ضد ملی کردن و یا فروش دارایی‌های متعلق به دولت، مقررات زدایی و یا حذف ضوابط محدودکننده و معرفی رقابت در انحصارهای مطلق دولتی، پیمانکاری یا واگذاری تولید کالاها و خدماتی که توسط دولت برای بخش خصوصی اداره و تأمین مالی می‌شوند (کی و تامسون، ۱۹۸۶).

– خصوصی سازی فرایندی است که طی آن کارایی مکانیزم بازار و دست نامرئی آدم اسمیت حیاتی مجدد می یابد، عملکرد فعالیت های اقتصادی دولت زیر سؤال می رود و در نتیجه بخش عمومی دولت تصمیم می گیرد دامنه فعالیت های خود را محدود نموده و مالکیت و مدیریت برخی از واحدهای اقتصادی تحت تملک خود را به مکانیزم بازار محول نماید (طباطبایی یزدی، ۱۳۸۶).

– خصوصی سازی اصطلاحی فراگیر و متنوع است که به واگذاری، کنترل عملیاتی و یا مالی مؤسسات در مالکیت دولت به بخش خصوصی منجر می شود و همراه مالکیت، قدرت نیز به مردم منتقل می شود (پرکونکو، ۱۳۸۰).

– بنابر تعریف بانک جهانی (۱۹۹۶) خصوصی سازی خلع دولت از مالکیت بر مؤسسات و شرکت ها، منابع اقتصادی و دیگر دارایی ها می باشد (لاک، ۲۰۰۶).

– UNDP خصوصی سازی را حرکت به سوی اقتصاد بازار از طرق زیر می داند:

الف) سیاستگذاری اقتصادی: تقویت چارچوب سازمانی برای یک اقتصاد بازاری (حقوق مالکیت، ابزارهای قانونی، مؤسسه های مالی و غیره)

ب) توسعه بخش خصوصی

ج) خصوصی سازی مؤسسه های اقتصادی عمومی

بنابراین، خصوصی سازی را می توان تلاشی جهت پررنگ کردن نقش بازار در مقابل تصمیم های دولت به عنوان کارگزار اقتصادی دانست (بهکیش، ۱۳۸۰).

– خصوصی سازی با فراهم کردن فضای رقابت و ایجاد نظام حاکم بر بازار، بنگاه ها و واحدهای خصوصی را وادار می نماید تا عملکرد کاراتری نسبت به بخش عمومی داشته باشند. تدابیر در خصوص خصوصی سازی به عواملی از قبیل متوسط درآمد سرانه و الگوی توزیع درآمد در کشور، وضعیت توسعه صنعتی، ماهیت و کارایی بخش خصوصی در اقتصاد، وضعیت کسری بودجه داخلی و بدهی های خارجی، موقعیت جغرافیایی کشور و اندازه بازار داخلی و شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور بستگی دارد. خصوصی سازی فرایندی است که طی آن دولت در هر سطحی امکان انتقال وظایف و تأسیسات را به بخش خصوصی بررسی نموده و در صورت اقتضاء نسبت به انجام چنین انتقالی اقدام می کند (صغیر، ۱۳۷۲).

۷. سابقه خصوصی سازی و چگونگی روند آن در ایران

شروع برنامه های خصوصی سازی در ایران به پیاده سازی الگو و سیاست های تعدیل اقتصادی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در دوران سازندگی بر می گردد. پس از انقلاب (که منجر به دولتی شدن بخش عظیمی از اقتصاد ایران شد) به تدریج حجم دولت بزرگتر شد. در دوران سازندگی و با اجرای

سیاست‌های تعدیل اقتصادی و پیاده‌سازی الگوی خصوصی‌سازی عنوان شده از سوی سازمان‌های بین‌المللی برای برون‌رفت از بحران‌ها و دستیابی به رشد اقتصادی مناسب نخستین گام‌ها در جهت کاهش نقش دولت در بازار و اقتصاد برداشته شد (امینی و مهجوریان، ۱۳۸۹).

روند خصوصی‌سازی در ایران قبل از انقلاب اسلامی از سال ۱۳۵۴ آغاز شده و تا سال ۱۳۵۷ با هدف واگذاری ۹۹ درصد سهام متعلق به دولت در واحدهای بخش دولتی به استثناء صنایع مادر و برخی از صنایع دیگر و واگذاری ۴۹ درصد سهام واحدهای بخش خصوصی ادامه یافته است. نتایج حاصل از آن این است که تاکنون تکلیف برخی از شرکت‌های مذکور مشخص نگردیده و سهام آنها به صورت اصالتی و وکالتی در اختیار سازمان خصوصی‌سازی (منتقل شده از سازمان گسترش مالکیت واحدهای تولیدی سابق) باقی مانده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی طی سال‌های (۱۳۶۸-۱۳۵۷) قانون خاصی که فرایند خصوصی‌سازی را متحول نماید، تصویب نگردید. طی سال‌های (۱۳۷۸-۱۳۶۸) (برنامه اول و دوم توسعه) نیز به دلیل عدم تصریح سیاست واگذاری سهام متعلق به دولت کار به کندی پیش رفت. همچنین، به دلیل عدم وجود نهاد سیاستگذار و برنامه‌ریز جهت پیشبرد اهداف واگذاری سهام متعلق به دولت، سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی در این دوره استفاده از روش فروش سهام در بورس اوراق بهادار به عنوان اولی‌ترین روش اشاره می‌کند. در سال‌های (۱۳۸۳-۱۳۷۹) دور جدید برنامه خصوصی‌سازی در ایران بصورت سازماندهی شده با محوریت متمرکز سازمان خصوصی‌سازی به عنوان نهاد اجرایی بر مبنای ساز و کار قانونی مشخص و شفاف شد (طباطبایی یزدی، ۱۳۸۶).

۸. اهداف خصوصی‌سازی

هریک از کشورها با توجه به ساختار اقتصادی‌شان در پی اهداف متفاوتی از خصوصی‌سازی بوده‌اند که این اهداف با توجه به سیاست‌ها، برنامه‌های اقتصادی و راهبردهای کلی هر کشور مشخص می‌گردد و لذا ابزارهای بکار گرفته شده جهت خصوصی‌سازی با توجه به اهداف مشخص می‌گردد که در زیر به اختصار به دو گروه از این اهداف اشاره می‌شود:

۸-۱. اهداف اولیه خصوصی‌سازی

- کاهش حوزه فعالیت مستقیم دولت در اقتصاد
- افزایش ظرفیت کارآفرینی و سطح کارایی بنگاه‌های اقتصادی
- توسعه بازارهای سرمایه داخلی و دستیابی به سرمایه، فناوری و منابع مالی خارجی
- کسب درآمد برای دولت به منظور پوشش دادن هزینه‌های بودجه‌ای، رهاکردن بودجه از بار مالی شرکت‌های زیان‌ده و کاستن از حجم بدهی‌های داخلی و خارجی بخش دولتی

۸-۲. اهداف ثانویه خصوصی سازی

- افزایش مشارکت مردم در امور اقتصادی و تصمیم گیری و توزیع مناسب درآمدها از راه گسترش سهام در بین عموم مردم
 - رشد کارآفرینی و خلاقیت برای فراهم نمودن زمینه‌های ارتقاء توان تولیدی اقتصاد کشور
 - کاهش هزینه‌های بودجه‌ای دولت در رابطه با پرداخت یارانه‌ها و همچنین کاهش هزینه‌های سرمایه‌ای برای واحدهای تحت پوشش
 - تخصیص مطلوب‌تر منابع کشور براساس عملکرد بازار
 - بهبود شرایط تجاری در اثر توسعه نگاه‌های خصوصی و سرانجام ارتقاء دانش فنی در سطح ملی
 - تأمین منابع سرمایه‌ای برای اقتصاد و ایجاد تعادل بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری
- به‌طور کلی مهم‌ترین هدف از خصوصی‌سازی در اغلب کشورها، افزایش کارایی نگاه‌ها و بهینه‌سازی تخصیص منابع بوده است. نکته اساسی در خصوص افزایش کارایی از طریق خصوصی‌سازی این است که صرف انتقال مالکیت نمی‌تواند سطح کارایی را افزایش دهد بلکه عنصر رقابت نیز نقش بسزایی در این فرایند دارد. در واقع، رقابت نیروی محرکه افزایش کارایی است و در صورت فقدان رقابت با خصوصی‌سازی صرف انحصارهای دولتی تبدیل به انحصارهای خصوصی شده که این امر می‌تواند عواقب نگران‌کننده‌ای برای کشور داشته باشد.

۹. پیش‌نیازهای خصوصی سازی

به عقیده کارشناسان، اقدام به خصوصی‌سازی نیازمند ایجاد زمینه‌ها و ارکانی است. مباحث تئوری و تجارب عملی کشورها نشان می‌دهند که انجام این فرایند در نبودن زمینه‌های لازم آن هرگز قرین موفقیت نبوده است. وجود زمینه‌های کلان و خرد اقتصادی، زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و ابزارهای خصوصی‌سازی از مهم‌ترین ضروریات است که به طور خلاصه به برخی از این پیش‌نیازها اشاره می‌شود.

۹-۱. تثبیت اقتصادی

تثبیت اقتصادی به معنای کاستن از تورم و حرکت به سوی موازنه تراز پرداخت‌ها است. نخست اینکه در شرایط تورمی و نوسان‌های تورمی شدید، انتظارات تورمی بالاست و در نتیجه نرخ ارز و بهره بالاست و این هر دو بازار سرمایه و بازار مالی فعالیت در تجارت خارجه را با مشکل روبرو می‌کند و از سوی دیگر، یکی از دلایل تورم هزینه‌های شرکت‌های دولتی در نتیجه فعالیت‌های گسترده این شرکت‌هاست که این خود فرضیه اثر ازدحام را حاکم می‌کند. در این فرضیه تخصیص اعظم اعتبارات بانکی، سهمیه‌های ارزی و انواع مجوز واردات و صادرات و انحصارات و شبه انحصارات به شرکت‌های دولتی و تبعیض شدید شرایط

باعث عدم توان بخش خصوصی در رقابت با بخش دولتی شده و موجبات عقب راندن این بخش در فعالیت‌های اقتصادی را فراهم آورده است.

۹-۲. آزادسازی

دومین پیش‌نیاز کلان اقتصادی، آزادسازی به معنای برچیدن انواع کنترل‌ها و اهرم‌های مداخله‌گرایانه دولت در بازار ارز تجارت خارجی، بازار سرمایه، بازار کار و دیگر عوامل تولید است. آزادسازی تجارت خارجی باعث قوت بخشیدن به نقش رقابت بین‌الملل و کارایی تخصیص شده و احتمالاً افزایش سرمایه‌گذاری را به همراه خواهد داشت. از سوی دیگر، عمدتاً در کشورهای جهان سوم با ایجاد محدودیت بر بهره‌پس‌اندازها و وام‌ها و تخصیص اعتبارات به بخش‌ها و صنایع خاص و فراموش شدن مقوله کارایی تخصیص، صنعت مالی سرکوب شده و مشکلات بسیاری را در انجام فعالیت‌های اقتصادی دارای مزیت نسبی فراهم آورده است. بنابراین، تثبیت اقتصادی و آزادسازی دو مقوله بسیار مهم در قبل از شروع فراگرد خصوصی‌سازی است. تجارب نشان داده است در کشورهایی که فراگرد خصوصی‌سازی پیش از تثبیت اقتصادی و آزادسازی انجام گرفته است یا هر دو همزمان بوده‌اند با عدم موفقیت همراه بوده است.

۹-۳. سایر پیش‌نیازهای خصوصی‌سازی

علاوه بر ماهیت همسان، توجه به ماهیت خرد در فرایند خصوصی‌سازی حائز اهمیت است. جذاب کردن مؤسسات از نقطه‌نظر ساختار مالی، ساختار سازمانی، تضمین حمایت‌های پس از خصوصی‌سازی و حتی اختصاص بخشی از عواید فروش به بنگاه از مسائل مهم در موفقیت خصوصی‌سازی است. ایجاد زمینه‌های اجتماعی مناسب همچون جلب نظر مردم و تبلیغ منافع و آثار مثبت فرایند خصوصی‌سازی، ایجاد زمینه‌های سیاسی، ارزشی و قانونی چون دیدگاه مثبت مدیران ارشد کشور و عزم راسخ سیاست‌گذاران در پیگیری سیاست‌ها، ایجاد زمینه‌های قانونی متناسب با فعالیت‌های بخش خصوصی، افزایش توان مالی و مدیریتی بخش خصوصی، تأثیر بر طرز تفکر سرمایه‌گذاران از طریق جلب اعتماد عمومی و همچنین ایجاد نهادهای سازمان یافته بازار آزاد، بازار سهام پیشرفته، بانک‌های سرمایه‌گذاری، ابزارهای متنوع مالی و... از دیگر پیش‌نیازها است (حقیقی، ۱۳۷۵).

۱۰. مهم‌ترین چالش‌ها و موانع موجود در اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و خصوصی‌سازی

به طور قطع، در راه اجرای دقیق، صحیح و به موقع سیاست‌های کلی اصل ۴۴ به‌عنوان انقلاب اقتصادی موانع و تهدیدات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی وجود دارد که از جمله مهم‌ترین محدودیت‌های داخلی در این عرصه می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود.

۱۰-۱. مردم با سرمایه اجتماعی پایین، عدم اعتماد مردم به نیت و سیاست‌های دولت در حوزه اقتصاد مانع مشارکت فراگیر مردم می‌باشد

سرمایه اجتماعی از جمله مفاهیم نوینی است که امروزه در بررسی‌های اقتصادی جوامع مدرن مطرح شده است. طرح این رویکرد مبین اهمیت نقش ساختارها و روابط اجتماعی بر متغیرهای اقتصادی است، به عبارت دیگر ضرورت توأم توسعه اقتصادی با توسعه سیاسی و نهایتاً دسترسی به توسعه‌ای پایدار می‌بایست مورد توجه باشد. سرمایه اجتماعی عمدتاً مبتنی بر عوامل فرهنگی و اجتماعی است و شناسایی آن به عنوان یک نوع سرمایه چه در سطح مدیریت کلان اقتصادی و توسعه کشورها و چه در سطح مدیریت سازمان‌ها و بنگاه‌ها می‌تواند شناخت جدیدتری را از سیستم‌های اقتصادی-اجتماعی ایجاد نماید و کارایی سیاست‌ها و تصمیم‌ها در عرصه‌های کلان جامعه را بهبود بخشد. سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از شبکه‌ها، هنجارها و شناخت‌ها (ادراک) است که همکاری درون‌گروه‌ها و بین‌گروه‌ها در جهت کسب منافع متقابل را تسهیل می‌کند. بطور کلی می‌توان سرمایه اجتماعی را در سه سطح مورد نظر داشت که عبارتند از سرمایه اجتماعی در نهادهای غیررسمی، سازمان‌های محلی افقی (از جمله سازمان‌های سلسله‌مراتبی) و همچنین نهادها و ساختارهای کلان رسمی. افزایش سرمایه اجتماعی موجب کاهش سطح هزینه‌های مدیریتی جامعه و نیز هزینه‌های عملیاتی و معاملاتی واحدهای اقتصادی می‌شود.

۱۰-۲. مقاومت دولت

اقتصاد رانتی و وابسته نفتی، بزرگ شدن بدون قاعده دولت، نگاه پدرسالارانه دولت، عدم توجه به شایسته‌سالاری، توسعه بروکراسی زاید، پاسخگو نبودن و... طی سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و متأسفانه عدم توجه کافی برای تحولات اساسی در جایگاه دولت بر اساس قانون اساسی به دلیل محدودیت‌ها و فشارهای داخلی و خارجی فرهنگ خاصی را حاکم کرده است. عدم اعتقاد و ایمان به انجام تغییرات موجب شده است که انگیزه درونی برای اجرای سیاست‌ها شکل نگیرد. بدنه بوروکراتیک دولت مانع بهره‌گیری از ظرفیت‌های تخصصی و تجربی نخبگان در تصمیم‌گیری‌ها شده و دولت با نگاهی پدرسالارانه تصمیم‌ساز، تصمیم‌گیر، مجری، ناظر و... تمام امور است. در چنین شرایطی نظام اقتصادی بر مبنای اصل ۴۴ تنها دولت است و بخش‌های خصوصی و تعاونی شکل نمی‌گیرد. عدم هماهنگی بازارهای اقتصادی با یکدیگر، ناکارایی در تخصیص منابع، نظام نامناسب مالیاتی که کاهش مشارکت مردم را به همراه آورده و دولت را گسترش داده و... از آثار اقتصاد دولتی است.

۱۰-۳. فقدان باور و فهم مشترک از سیاست‌های ابلاغی

به دلیل سوابق فرهنگی حاکم بر اقتصاد کشور و در نتیجه کمبود شدید مطالعات و تحقیقات و ترویج و توسعه فرهنگ خصوصی‌سازی و آزادی مالکیت خصوصی براساس قانون اساسی متأسفانه حتی در سطح مسئولین نیز برداشت‌های متفاوتی از سیاست‌های کلی اصل ۴۴ وجود دارد. بدیهی است این اختلاف درک در سطوح پایین نیز تشدید شده و مانعی در تحقق اجرای سیاست‌های کلی محسوب می‌شود.

۱۰-۴. فقدان نظام مشاوره و اطلاع‌رسانی شفاف

بهره‌مندی مردم از فرصت‌های برابر در تسهیلات و امتیازات سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مستلزم دسترسی آسان، سریع و مؤثر از اطلاعات مورد نیاز در این عرصه می‌باشد. عدم آشنایی ذینفعان از مقررات، اصول و رویه‌های بهره‌برداری از بندهای مختلف (الف تا ه) سیاست‌ها ضرورت مراجعه به مؤسسات مشاوره‌ای و تخصصی را اجتناب‌ناپذیر نموده است. متأسفانه در حوزه‌های مشاوره و اطلاع‌رسانی سرمایه‌گذاری لازم نشده و این خلاء موجب توسعه زیاده‌خواهی و فرصت‌طلبی عده‌ای خاص شده است.

۱۰-۵. جایگاه نامناسب بخش تعاون در اقتصاد کشور

علیرغم تأکیدهای قانون اساسی و وجود قانون تعاون و تشکیلات وزارت تعاون بنابر دلایل فرهنگی، سیاسی و اقتصادی این بخش هنوز جایگاه شایسته خود را بدست نیاورده و در تحقق سهم تعاون در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ محل شک و تردید است. علاوه بر موارد ذکر شده می‌توان به چند مورد از مهم‌ترین چالش‌های موجود در مسیر خصوصی‌سازی نیز اشاره نمود (طباطبایی‌یزدی و مافی، ۱۳۸۶):

الف) فقدان فضای مناسب برای خصوصی‌سازی و نبود بررسی‌های دقیق در خصوص توانایی‌های بخش خصوصی و امکانات مالی و مدیریتی آنان و...

ب) جامع‌نبودن قوانین مصوب مربوط به خصوصی‌سازی که منجر به آن شده است که طی چند سالی که سیاست‌های خصوصی‌سازی در کشور به اجرا در آمده، ضوابط گوناگونی در خصوص به تصویب برسد که این امر خود باعث سردرگمی و عدم اعتماد بخش خصوصی به این سیاست‌های دولت شده است

ج) عدم توجه به توانایی مدیریتی بخش خصوصی و خریداران در واگذاری واحدهای دولتی

د) فقدان یک سیستم مناسب جهت قیمت‌گذاری واحدهای قابل واگذاری

ه) عدم تفکیک اهداف اجتماعی از اهداف اقتصادی در اجرای سیاست خصوصی‌سازی

۱۱. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یکی از ارکان دستیابی به توسعه پایدار، سیاست خصوصی‌سازی است و این سیاست زمانی مفهوم اصلی خود را در اقتصاد پیدا می‌کند که شناخت درست و کاملی از نحوه اجرای صحیح سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و در ادامه آن فرایند خصوصی‌سازی داشته باشیم. به همین منظور در این تحقیق ابتدا تعاریفی از خصوصی‌سازی ارائه شده است و سپس اشاره‌ای بر سابقه خصوصی‌سازی و روند آن در ایران شده است و در ادامه، اهدافی را که خصوصی‌سازی دنبال می‌کند و پیش‌نیازهایی که می‌بایست پیش از اجرای خصوصی‌سازی انجام گیرند، بیان شده و در پایان موانع و چالش‌هایی که در اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و خصوصی‌سازی وجود دارند، نام برده شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از سه نتیجه مهم می‌باشد که باید در قالب سه مرحله انجام گیرد:

مرحله اول: پیش از اینکه خصوصی‌سازی اعمال شود ضروری است که ابتدا شناخت کاملی از نحوه اجرای صحیح سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی حاصل آید و موانع و تهدیدات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی که در مسیر اجرای این انقلاب اقتصادی وجود دارند از مسیر برداشته شوند.

مرحله دوم: پس از ورود به مرحله دوم (اعمال خصوصی‌سازی) می‌بایست قبل از اعمال آن از برخی پیش‌نیازها استفاده شود که اگر این پیش‌نیازها بکار برده نشوند خصوصی‌سازی وارد مسیر درست خود نخواهد شد. این پیش‌نیازها دو نوع می‌باشند یکی پیش‌نیازهای کلان مانند تثبیت اقتصادی و آزادسازی و دیگری پیش‌نیازهای خرد مانند تضمین حمایت‌های پس از خصوصی‌سازی و ...

مرحله سوم: پس از اینکه خصوصی‌سازی به مسیر درست خود وارد شد، لازم است موانعی را که امکان دارد خصوصی‌سازی طی مسیر با آنها مواجه گشته و منحرف شود را از مسیر جدا سازیم که پس از برداشتن این موانع خصوصی‌سازی نتیجه اثربخش خود را در اقتصاد بروز خواهد داد (این موانع در متن پژوهش آورده شده است).

نکته بسیار مهمی که از مرحله دوم نتایج گرفته شد این بود که تجارب نشان داده است در کشورهایی که فراگرد خصوصی‌سازی قبل از تثبیت اقتصادی و آزادسازی انجام گرفته است یا هر دو همزمان بوده‌اند با عدم موفقیت همراه بوده است. در نتیجه برای اینکه خصوصی‌سازی به نحو احسن انجام گیرد می‌بایست عوامل پیش‌نیاز خصوصی‌سازی پیش از انجام خصوصی‌سازی بکار برده شوند نه اینکه بطور همزمان و یا پس از آن.

منابع

- اشرفی، زهره (۱۳۸۸)، "توانمندسازی بخش خصوصی در قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی"، دفتر برنامه‌ریزی و نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، دفتر اصل ۴۴، صص ۳-۱.
- امینی، رامین و وجهه مهجوریان (۱۳۸۹)، "اصل ۴۴ و فرایند خصوصی سازی در ایران و جهان"، سایت شبکه خبری کشاورزی ایران، صص ۱-۱۰.
- بهکیش، محمد مهدی (۱۳۸۰)، *اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن*، نشر نی، صص ۱۱۰.
- پرکوپنکو، ژورف، (۱۳۸۰)، *مدیریت خصوصی سازی ترجمه حسین اکبری*، دردانه داوری، نشر آتنا.
- حقیقی، محمدعلی (۱۳۷۵)، *بررسی و طراحی الگوی ساختاری مناسب در بخش دولتی (سازمان بنادر و کشتیرانی)*، رساله دکتری مدیریت منابع انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- رحیمی بروجردی، علیرضا (۱۳۷۳)، *سیاست‌های اقتصاد کلان و اصطلاحات ساختاری*، چاپ اول، مؤسسه مطالعات و پژوهش بازرگانی.
- شریعت، رضا (۱۳۸۷)، "نقش نظارتی نهادهای غیردولتی بر اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴"، تهران: همایش نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، صص ۱۲-۱.
- صغیر، جمال (۱۳۷۲)، "توسعه بخش خصوصی و خصوصی سازی"، گزارش ارائه شده به سمینار بررسی تحلیل خصوصی سازی، دانشکده امور اقتصادی و مؤسسه توسعه اقتصادی.
- طباطبایی یزدی، رویا و فرزانه مافی (۱۳۸۶)، "روش‌های اجرایی شدن سیاست‌های کلی اصل ۴۴"، مرکز تحقیقات استراتژیک، راهبرد شماره ۴۶، صص ۳۰۴-۲۵۵.
- فتحی، سعید و باقر عسگرنژاد نوری (۱۳۸۸)، "بررسی خصوصی سازی بر روی توسعه بازار سهام"، *بررسی‌های بازرگانی*، شماره ۳۸، صص ۹۳-۷۳.
- قورچیان، نادرقلی و غلامرضا حیدری کرد زنگنه (۱۳۸۷)، "ارائه مدلی جهت ارتقاء و توسعه خصوصی سازی در ایران"، *پژوهشنامه اقتصادی*، ۳۸ (پیاپی ۳۰)، صص ۲۵۷-۲۱۹.
- کریمی پتانلار، سعید (۱۳۸۳)، "خصوصی سازی، اندازه دولت و اشتغال در جمهوری اسلامی ایران"، *پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی*، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۱۰۵-۱۲۹.
- کیانپور، سعید (۱۳۸۸)، "بررسی اجمالی خصوصی سازی در چند کشور منتخب با اشاره‌ای بر سیاست‌های کلی اصل ۴۴"، *بررسی‌های بازرگانی*، شماره ۳۸، صص ۲۰-۲.
- گودرزوندچگینی، مهرداد و مهدی میرزاد زارع (۱۳۸۹)، "اثرات واگذاری (خصوصی سازی) بر کارایی (شرکت سهامی مخابرات استان گیلان)"، *بررسی‌های بازرگانی*، شماره ۴۰، صص ۹۸-۸۶.
- مجلس و پژوهش ۱۳۷۲، "خصوصی سازی چیست و چگونه توفیق می‌یابد؟"، سال اول، شماره دوم.
- مشیری، سعید (۱۳۸۹)، "خصوصی سازی و رشد اقتصادی یک مطالعه بین کشوری"، *تحقیقات اقتصادی*، شماره ۹۰، صص ۱۵۸-۱۴۱.
- مهدوی عادل، محمدحسین و حسین رافعی (۱۳۸۵)، "بررسی جریان خصوصی سازی و تأثیر آن بر تقویت کارآفرینی در ایران"، *مجله دانش و توسعه (علمی - پژوهشی)*، شماره ۱۸، صص ۵۴-۳۱.
- هاشمی، ابوالقاسم (۱۳۷۲)، "خصوصی سازی، بازارگرا کردن و مکانیزم قیمت‌ها در ایران"، *مجله تدبیر*، سال چهارم.

- Dieter Bos, (1991), "Privatization; A Theoretical Treatment", Clarendon Press, Oxford, P. V.
- Kay, j.A. & D.j. Thompson (1986), "Privatization; a Policy in Search of A Rationale", *The Economic Journal*, Vol. 96, PP. 18–32.
- Loc, Truong D. (2006), "Equitisation and Stock Market Development", University of Groningen (Rijksuniversiteit Groningen).
- Michael Beesly & Stephen little Child (1983), "Privatization; Principles, Problems & Priorities Lloyds Bank Review", P.1.
- Peter, Newman (1998), "The New Palgrave Dictionary of Economics and the Law", Vol. 3, P.122.
- Ramamurti, Ravi (2000), "A Dynamic Multilevel Model", *Academy of Management Review*.
- Schwartz, Gerd, (1989), "Privatization; Possible Lesson from the Hungarian Vase", *World Development*, Vol. 19, P. 1731.
- Veljanovski, Cento (1987), "Selling the State", Butler & Tanner Ltd, P.1.